

انتظار و منتظران



آماده باش

انتظار یعنی چه؟ انتظار یعنی آمادہ باش!
باید آمادہ باش باشیم. انسان چون منتظر آن کسی است که
در حال آمادہ باش است.
اگر امام امروز ظهور کند باید من شما آمادہ باشیم.

مکتبہ اسلامی
۱۳۷۲/۲۰
www.ichameneh.ir

محمد تقی صرفی پور



الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد الانبياء والمرسلين محمد(ص) و اهل بيته الطاهرين

ما در دوران غیبت کبری به سر می بریم. امام زمان ما غایب هستند و جز افراد انگشت شماری که موفق به زیارت ان حضرت می شوند بقیه شیعیان و در حقیقت همه بشریت از دیدن و ملاقات امام زمان علیه السلام محرومند. اما اهل بیت علیهم السلام برای این دوران وظایفی برای ما مشخص کرده اند. به ما منتظران می گویند و ما در دوران انتظار هستیم.

اینکه انتظار چیست

در این کتاب به تبیین انتظار و وظیفه منتظران پرداخته شده است.

کرمانشاه. بهار 1400

انتظار و منتظران

رهبر معظم انقلاب اسلامی چندی پیش در ابتدای جلسه درس خارج فقه خود، در تفسیر روایت انتظار فرج فقط انتظار فرج به معنای ظهور حضرت ولی عصر سلام الله: «إِنْتَظَرُ الْفَرَجَ عِبَادَةً» فرمودند علیه و عجل الله فرجه و جعلنا الله فداه نیست، مطلق فرج است. نفس اینکه انسان انتظار فرج داشته باشد، یعنی اگر در یک شدتی قرار دارد، انتظار داشته باشد که آن شدت برطرف بشود، این یعنی چه؟ امید را از دست ندهید یعنی اینکه شما هرگز در هیچ شرایطی نباید ناامید بشوید، در هیچ شرایط شما

رهبر معظم انقلاب خاطرنشان کردند: فرض کنید انسان در یک تونلی گیر افتاده که مدخل تونل را مثلاً یک سنگی بسته، انتهای تونل هم بسته است، در یک چنین وضعی هم انتظار فرج داشته باشید؛ یعنی خدای متعال ممکن است یک تفضلی بکند، فرض کنید گوشه‌ای از سقف بریزد راهی باز بشود. انسان بیرون برود.

ایشان تأکید کردند: در هیچ شرایطی انسان نباید احساس بن بست بکند بلکه بایستی همیشه انتظار فرج داشته باشید. در مورد این انتظار فرج می‌فرمایند: عبادت است.

بزرگترین وظیفه منتظران

بزرگترین وظیفه منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند.

کسانی که در دوران دفاع مقدس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدس شرکت می کردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده‌ی دفاع از ارزش‌ها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته‌ی اسلام است، می‌تواند ادعا کند که اگر امام زمان بیاید، پشت سر آن حضرت در میدان‌های خطر قدم خواهد گذاشت اما کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را می‌بازند و زانوانشان سست می‌شود؛ کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آنها را به خطر می‌اندازد، انجام دهند؛ اینها چطور می‌توانند منتظر امام زمان به حساب آیند؟ کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد. (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم (به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران 30/07/1381)

وظایف منتظران در دوران غیبت امام زمان علیه السلام:

اول اینکه بدانند صاحب دارند. اگر از یهودی پرسید صاحب شما کیست؟ می‌گویند حضرت موسی بود که از دنیا رفت. اگر از مسیحی پرسید. صاحب شما کیست؟ می‌گویند مسیح بود که به صلیب کشیده شد! اگر از زرتشتی پرسید صاحب شما کیست؟ می‌گویند حضرت زرتشت بود که از دنیا رفته است!.. اگر از بودائی پرسید. صاحب شما کیست؟ می‌گویند .بودا بود که مرد!.. ولی اگر از شیعه پرسید که صاحب و سرپرست و رهبر شما کجاست؟ جواب می‌دهیم امام و پیشوای ما حضرت مهدی علیه السلام است که زنده است و درحالی که 1187 سال از عمر مبارکش می‌گذرد ولی با معجزه الهی همچنان رهبری را بدست دارد. و نشانه زنده بودن وجود مبارکش ، ملاقات هائی است که در این قرنهای طولانی افراد مختلف چه عالم و چه غیر عالم با حضرتش داشته اند که تفصیل این ملاقاتها در کتابهای مختلف ذکر شده است.. و در طول دوران غیبت کبری هرچه دشمنان تلاش کردند شیعه را

و بر کل ^[1] از بین ببرند نتوانستند چون شیعه صاحب دارد.... امام چشم خدا در میان انسان ها است هستی و همه جوامع انسانی اشراف و نظارت کامل دارد

امام (عج) هم چون پدری مهربان از شیعیان خود مراقبت می کند و در بزنگاه ها و لحظات سرنوشت ساز با شیوه های مختلف به یاری آنها می شتابد. خودش در نامه ای به شیخ مفید می گوید

«فَإِنَّا نَحِيطُ عِلْمًا بِأَبْنَائِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»¹

ما بر اخبار و احوال شما، آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما، بر ما پوشیده و مخفی نمی ماند

إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لَذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوَاءُ وَ «
«اصطلمكم الاعداء»²

ما، در رسیدگی و سرپرستی شما، کوتاهی و اهمال نکرده ایم و یاد شما را از خاطر نبرده ایم، که اگر جز این بوده دشواری ها و مصیبت ها، بر شما فرود می آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می کردند

«لَأَنَّا مِنْ وَرَاءِ حَفْظِهِم بِالِدَعَاءِ الَّذِي لَا يَحْجُبُ عَنْ مَلِكِ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ»³

چراکه ما پشت سر مؤمنان شایسته کردار، با نیایش و دعایی که از فرمانروای آسمان ها و زمین پوشیده نمی ماند، آنان را حفاظت و نگهداری می کنیم

برادرم گفت: من هم نیتی دارم. گفت نیت کن. تسبیح گرفت، طاق و جفت انداخت و رنگش تغییر - کرد.

گفت: این چه نیتی است؟ نیت تو راجع به کسی است که الآن مکه بود، الآن شام بود، الآن مدینه و... (مرتب می گفت: الان، الآن) بعد گفت: نیت تو راجع به کسی است که منظومه به دور سر او می چرخد. نیت تو راجع به امام زمان علیه السلام است⁴

¹. (احتجاج طبرسی، ج 2، ص 596. برای آگاهی از همه نامه، ر. ک: ضمائ، ص 216) نامه به شیخ مفید

². (همان. برای آگاهی از همه نامه، ر. ک: ضمائ، ص 216) نامه به شیخ مفید

³. احتجاج طبرسی، ج 2، ص 602

⁴. (ر. ک: ضمائ، ص 243) سخنان حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی

عرض کردم: ای مولای آوارگان و فریادرس بیچارگان! تویی مولای ما و دانستی درد و مصیبت ما، - علاج آن را بیان فرما؛ زیرا که تویی پناه ما و غیر از تو کسی را نداریم که رو به سوی او آوریم و تو قدرت بر آن داری.

فرمود: چنین است که گویی. یابن عیسی دلتنگ مباش. بدان که در خانه آن وزیر لعنه الله درخت .. اناری است

از تأخیر جواب پرسیدم: آن حضرت معلل به وسعت زمان استمهال نمودند و فرمودند: اگر یک شب مهلت می خواستید همان شب به مقصود می رسیدید^۵

در دوران جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط قوای انگلیسی و روسی، که حملات و هجوم ها به - ملت شیعه اوج گرفته بود، مرحوم آیت الله العظمی نائینی خیلی پریشان بودند و نگران از اینکه این وضع به کجا خواهد انجامید، نکند که این کشور محبّ و دوستدار امام زمان علیه السّلام از بین برود و سقوط کند.

در همین زمان ها، شبی به امام عصر علیه السّلام متوسل می شوند و در حال توسّل و گریه و ناراحتی :به خواب می روند و خواب می بینند

دیواری است به شکل نقشه ایران و این دیوار شکست برداشته و خم شده و در حال افتادن است. در زیر این دیوار، یک عده زن و بچه نشسته اند و دیوار دارد روی سر اینها خراب می شود. مرحوم نائینی وقتی این صحنه را می بینند به قدری نگران می شوند که فریاد می زنند و می گویند که: خدایا! این وضع به کجا خواهد انجامید؟

در این حال می بینند که حضرت ولی عصر علیه السّلام تشریف آوردند و انگشت مبارکشان را به طرف دیواری که خم شده و در حال افتادن بود، گرفتند و آن را بلند کردند و دومرتبه سرجایش قرار دادند و بعد فرمودند

^۵دارالسلام، شیخ محمود عراقی، ص 492

اینجا شیعه خانه ماست. می شکند، خم می شود، خطر هست، ولی ما نمی گذاریم سقوط کند، ما «
»نگهش می داریم^۶

«الیوم استعمال توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است»^۷ -

مرحوم حجت الاسلام سید محمد کوثری رحمه الله نقل می نماید: یک روز من در منزل آقای آیت الله فاضل لنکرانی از استادان حوزه علمیه قم بودم و یکی از فضلاء مشهد آنجا بودند. ایشان به نقل از یکی از دوستانشان نقل کردند که در نجف اشرف در خدمت امام بودیم و صحبت از ایران به میان آمد. من گفتم این چه فرمایش هایی است که در مورد بیرون کردن شاه از ایران می فرمایید؟ یک مستأجر را نمی شود از خانه بیرون کرد، آن وقت شما می خواهید شاه را از مملکت بیرون کنید؟ امام سکوت کردند. من فکر کردم شاید عرض مرا نشنیده اند. سخنم را تکرار کردم

امام برآشفتنند و فرمودند: فلانی چه می گویی؟ مگر حضرت بقیه الله صلوات الله علیه به من (نستجیر بالله) خلاف می فرماید؟ شاه باید برود و همان هم شد و شاه از مملکت بیرون رفت. می بینم که ایشان چنین پیوندی با حضرت بقیه الله (عج) داشتند^۸

بهمن 57 یوم الله بود. واقعا ما در معرض کشته شدن بودیم. فقط ندای ولی عصر (عج) به داد 22 -
ما رسید. فردی که الان زنده است، پیام برد به دبیرستان علوی

خدمت امام امت) گفت: حضرت مهدی (عج) می فرماید: در خانه نمانید. اگر ماندید، کشته می شوید. لذا امام خیلی محکم فرمود: در خانه نمانید. آقای طالقانی به امام عرض کرد: آقا! مردم را درو می کنند. این ها عصبانی هستند، آخر کارشان است

امام فرمود: باید بیرون بریزند. ایشان (آقای طالقانی) خیلی اصرار کرد. امام فرمود: اگر پیام از جای دیگری باشد، باز [بر] سر حرف خود ایستاده اید؟ (آقای طالقانی) گفت: چشم، تسلیم هستم. لذا 22
بهمن یوم الله است^۹

^۶فرازهایی از تجلیات امام عصر (عج)، ص 54

^۷شیفتگان حضرت مهدی (عج)، ج 2، ص 356؛

^۸پایه پای آفتاب، ج 5، ص 171

مقام معظم رهبری می فرماید: من در اداره امور کشور بعضی وقت ها حل مسائل برایم دشوار می -
شود و دیگر هیچ راهی پیدا نمی شود، به دوستان و اعوان و انصار می گویم که آماده شوید به
جمکران برویم. راه قم را در پیش می گیریم و راهی مسجد جمکران می شویم، بعد از راز و نیاز با
آقا، من احساس می کنم همانجا دستی از غیب مرا راهنمایی می کند و من در آنجا به تصمیمی می
رسم و مشکل بدین صورت حل می شود و همان تصمیم را عملی می کنم.^۹

داستان انار بحرین..

موقعی که شهر بحرین در تصرف فرنگیان بود شخصی از مسلمین را به حکومت آن جا گماشتند تا
موجب آبادی بیشتر آن جا گردد این والی مردی ناصبی بود و وزیری داشت که تعصبش از وی بیشتر
بود وزیر نسبت به اهل بحرین که دوستدار اهل بیت بودند اظهار دشمنی می کرد و برای نابودی و
زیان رساندن به آن ها حيله ها می انگيخت يك روز وزير درحالی که اناری در دست داشت نزد والی
رفت و انار را به او داد والی دید بر روی پوست انار نوشته شده

لااله الا الله محمد رسول الله ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله

وقتی به دقت آنرا نگرست دید که این عبارت به طور طبیعی در پوست انار نوشته شده به طوریکه
گمان نمی رفت ساخته دست بشر باشد او از این حیث در شگفت ماند

^۹ درس تفسیر قرآن، آیت الله خزعلی، مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم، 1379 / 11 / 23

^{۱۰} نمایندگان آب، آیین، آفتاب، ص 11

والی به وزیر گفت این دلیل روشن و برهان محکمی است برابطال مذهب رافضی ها (شیعیان) نظر تو درباره مردم بحرین چیست وزیر گفت این جماعت متعصب هستند و منکر دلائل می شوند امر کن آن ها را حاضر کنند و این انار را به آنها نشان بده اگر پذیرفتند و به مذهب ما درآمدند شما ثواب فراوان برده اید و چنان چه نپذیرفتند و همچنان بر گمراهی خود باقی ماندند آنها را در قبول یکی از این سه چیز مخیر گردان یا حاضر شوند با ذلت و خواری مثل یهود و نصاری جزیه بدهند یا جوابی برای این دلیل روشنی که نمی توان آن را نادیده گرفت بیاورند و یا این که مردان آن ها کشته شوند و اولاد ایشان اسیر گردند و اموالشان به غنیمت گیریم والی رای وزیر را مورد تحسین قرار داد و فرستاد علما و افاضل و نیکان و نجبا و بزرگان شیعه بحرین را احضار نمود و انار را به آن ها نشان داد و گفت اگر جواب قانع کننده ای نیاورید یا باید کشته شوید و اسیر گردید و اموالتان ضبط شود یا همچون کفار جزیه دهید آن ها چون انار را دیدند سخت متحیر شدند و نتوانستند جواب شایسته ای بدهند رنگ صورتشان پرید و بندهاشان به لرزه افتاد سپس بزرگان آنها به والی گفتند سه روز به ما مهلت بده شاید بتوانیم جوابی که مورد پسند واقع شود بیاوریم و گرنه هر طور می خواهی بین ما حکم کن والی هم به آن ها مهلت داد رجال بحرین در حالی که هراسان و مرعوب و متحیر بودند از نزد والی بیرون آمدند و مجلس گرفتند و مشورت کردند

آن گاه بنا گذاشتند از میان صلحا و زهاد بحرین ده نفر و از میان آن ده نفر سه نفر انتخاب کنند و چون چنین کردند به یکی از آن سه نفر گفتند تو امشب برو به بیابان و تا صبح مشغول عبادت باش و از خداوند به وسیله امام زمان یاری بخواه او هم رفت و شب را به صبح آورد و چیزی ندید و برگشت و جریان را اطلاع داد شب دوم نفر دومی و شب سوم نفر سومی که مردی پاکسرشت و دانشمند به نام

محمد بن عیسیٰ بحرینی بود با سر و پای برهنه رو به بیابان نهاد و مشغول دعا و گریه و توسل به خدا بود که شیعیان را از این بلیه رهایی بخشد و حقیقت مطلب را روشن سازد و برای تامین منظور به حضرت صاحب الزمان (عج) گردید.

در آخر شب ناگاه دید مردی او را مخاطب ساخته و می گوید: « محمد بن عیسیٰ بحرینی چه شده تورا بدین حال می بینم؟ و برای چه به بیابان آمده ای؟ »

محمد بن عیسیٰ گفت: « ای مرد مرا به حال خود واگذار من برای مطلب مهمی آمده ام که آن را جز برای امام خود نمی گویم و شکوه آن را نزد کسی می برم که این راز را بر من آشکار سازد ».

« گفت : » ای محمد بن عیسیٰ من صاحب الامر هستم مقصودت را بگو

« گفت : » اگر تو صاحب الامر می باشی داستان مرا می دانی

فرمود : « آری تو به خاطر مشکل انار و مطلبی که بر روی آن نوشته شده و تهدیدی که والی کرده به «بیابان آمده ای

« محمد بن عیسیٰ گفت : « آری ای آقای من شما می دانید ما چه حالی داریم به داد ما برس

حضرت فرمود: «ای محمد بن عیسی! وزیر ملعون درخت اناری در خانه خود دارد و قالبی از گل به شکل انار در دو نصفه ساخته و توی هرنصفی از آن قسمتی از آن کلمات را نوشته و آن گاه آن قالب را روی اناری نهاده و دروقتی که انار کوچک بود توی آن گذاشته و آن را محکم بسته آن گاه به مرور که انار بزرگ شده آن نوشته در پوست انار تاثیر بخشیده تا به به این شکل درآمده فردا نزد والی می روی و به او می گویی جواب تو را آورده ام ولی حتما باید در خانه وزیر باشد وقتی به خانه وزیر رفتید به سمت راست خود نگاه کن که غرفه ای می بینی آن گاه به والی بگو جواب در همین غرفه است وزیر می خواهد از نزدیک شدن به غرفه سر باز زند ولی تو اصرار کن و سعی کن از آن بالا بروی وقتی دیدی وزیر بالا رفت تو هم با او بالا برو و او را تنها مگذار مبادا از تو جلو بیفتد هنگامی که وارد غرفه شدی در دیوار آن سوراخی می بینی که کیسه سفیدی در آن است آن را بردار که خواهی دید قالب گلی انار که برای این نقشه ساخته در آن کیسه است سپس آن را جلو والی نهاد و انار معهود را دران بگذار تا حقیقت مطلب روشن شود و به والی بگو ما معجزه دیگری هم داریم و آن این که داخل این انار جز دود و خاکستر چیزی نیست اگر می خواهی صحت آن را بدانی به وزیر «.بگو آن را بشکند وقتی وزیر آن را شکست دود و خاکستر به صورت و ریش او می ریزد

محمد بن عیسی شادی کنان دست حضرت را بوسید و مراجعت نمود صبح که نزد والی رفتند همان طور که امام دستور داده بود عمل کردند

«. والی به محمد بن عیسی گفت: «چه کسی این خبر را به تو داده است

« گفت : « امام زمان

« والی پرسید : « امام شما کیست ؟

. محمد بن عیسی یک یک ائمه را معرفی کرد تا به امام زمان صلوات الله رسید

والی گفت : « دست را دراز کن تا من گواهی دهم نیست خدایی مگر خداوند یگانه و این که محمد
« (بنده و پیامبر اوست و خلیفه بلا فصل بعد از او امیر مومنین علی (ع

و اقرار به تمام ائمه کرد و ایمانش نیکو گشت سپس دستور قتل وزیر راداد و از مردم بحرین عذر
خواهی کرد این حکایت نزد مردم بحرین مشهور و قبر محمد بن عیسی بحرینی در آن جا معروف و
. مردم به زیارت آن می روند^{۱۱}

. یکی از علمای تهران

:نقل فرمودند

. بیست سال قبل شخصی مبلغ زیادی دلار برای هدیه به جمکران آورد

او را در قسمت ثبت کرامات جمکران دعوت نمودیم و علت این هدیه زیاد را پرسیدیم

او گفت: من اهل ترکیه هستم و در ارتش خدمت می کردم. ظاهراً مسلمان ولی ابداً اهل نماز و قرآن نبودم.

سال 1371 که در ترکیه زلزله شدیدی آمد، صد و بیست هزار کشته داد

من از طرف ارتش مسئول تفحص اجساد در یکی از شهرها بودم،

بعد از هشت روز از زلزله خانمی از من خواست ساختمان مخروبه ای را آوار برداری کنم، تا دو فرزند پسرش را بیرون بیاوریم.

ساختمان بتون بود و سقوط کرده بود ولی به زمین نچسبیده بود ستونها مانع از رسیدن سقف به زمین شده بود.

وقتی بیل بلدوزر ارتش سقف را بلند کرد با کمال تعجب دیدم دو پسر بعد از هشت روز از زلزله زنده هستند.

سریع تر دویدم دو پسر دو ساله و شش ساله را بغل کردم بیرون آوردم

از بچه شش ساله پرسیدم چطور شد شما زنده ماندید توی این هشت روز چیکار می کردید ؟

گفت: همینکه زلزله شد آقای من کنار ما آمد و اشاره کرد سقف همانجا ماند و به سر ما نیفتاد

به ما فرمود: ناراحت نباشید من کنار شما هستم برای ما غذا می آورد و برای برادرم شیر در شیشه می آورد.

امروز برادرم خیلی گریه کرد

آقا از من پرسید: چرا داداش کوچیکت این همه گریه می کند؟ گفتم: دلش برای مادرم تنگ شده

فرمودند: الان مادرتان را بهتون می دهم، همان لحظه سقف خانه بالا رفت و دیدیم مادرمان کنار
بلدو زر ایستاده،

رفتم سراغ آن زن، بهش گفتم: تو چه دینی داری؟

گفت: من شیعه هستم امامی حاضر و ناظر دارم حضرت مهدی ارواحنا فداه

وقتی زلزله شد رفته بودم خرید کنار خیابان رو به قبله ایستادم و گفتم: یا حجه بن الحسن پسرانم را به
شما سپردم

من گیج و حیران بودم. همانجا تصمیم گرفتم از ارتش استعفا کردم. شیعه شدم، و اموالم را با اربابم

حضرت مهدی عج نصف کردم. آورده ام برای جمکران

دومین وظیفه منتظران.دوری از گناه..

دومین وظایف منتظران در دوران غیبت امام زمان علیه السلام:دوری از گناه است.داشتن پاکدامنی است.داشتن عفاف و حیا است..

ملاقات پدر آیت الله سیستانی با امام زمان (عج)

مرحوم آیه الله سید محمدباقر مجتهد سیستانی، پدر آیه الله العظمی حاج سید علی سیستانی (دامت برکاته) در مشهد مقدس، برای آن که به محضر امام زمان (عج) شرفیاب شود، ختم زیارت عاشورا را .چهل جمعه، هر هفته در مسجدی از مساجد شهر آغاز می کند

:ایشان می فرمود

در یکی از جمعه های آخر، ناگهان شعاع نوری را مشاهده کردم که از خانه ای نزدیک به آن مسجدی که من در آن مشغول به زیارت عاشورا بودم، می تابید. حال عجیبی به من دست داد و از جای برخاستم و به دنبال آن نور، به در آن خانه رفتم .خانه ی کوچک و فقیرانه ای بود که از درون آن، نور عجیبی می تابید. در زدم. وقتی در را باز کردند، مشاهده کردم که حضرت ولی عصر امام

زمان علیه السلام، در یکی از اتاق های آن خانه، تشریف دارند و در آن اتاق، جنازه ای را مشاهده کردم که پارچه ای سفید روی آن کشیده بودند

:وقتی که من وارد شدم و اشک ریزان سلام کردم، امام زمان (عج) فرمودند

چرا این گونه به دنبال من می گردی و این رنج ها را متحمل می شوی؟! مثل این باشید (اشاره به آن "جنازه کردند) تا من به دنبال شما بیایم

بعد فرمود: «این، بانویی است که در دوره ی بی حجابی (دوران رضاخان پهلوی)، هفت سال از خانه بیرون نیامد تا مبادا نامحرم او را ببیند»^{۱۲}

^{۱۲} شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۵۸

سومین وظایف منتظران در دوران غیبت امام زمان علیه السلام: خوش اخلاقی و داشتن اخلاق محمدی

است. ظلم نکردن به یکدیگر است. تواضع و حلم و صبر و خوش روئی و خوش گوئی و عفو و راستگوئی و دوری از تهمت و غیبت و سوء ظن است. مهربان بودن با همه برادران و خواهران مومن. پیامبر خدا خیلی مهربان بودند و اهل بیت طاهرین او همچنین. اولیاء خدا هم مهربان بودند و عده زیادی از مردم معمولاً مهربان هستند.

:پیامبر (ص) فرمود

«لا یرحم الله من لا یرحم الناس» خدا رحم نمی کند به کسی که به مردم رحم نمی کند))

پیامبر اعظم (ص) فرمود: «اگر مهربانی و ملاطفت به صورتی مجسم شود، آن چنان زیباست که خداوند مخلوقی زیباتر از آن را نیافریده است.» (4)

ادم مهربان همیشه خشمش را کنترل می کند. ادم مهربان در مقابل بدی، خوبی می کند. ادم مهربان هیچگاه والدین خود را ناراحت نمی کند. ادم مهربان با همسرو فرزندانش تندی نمی نماید. ادم مهربان به کودکان نهایت عطف را دارد! ادم مهربان با همسایه اش خوشرفتاری می نماید. ادم مهربان به یتیم ها و زنان بیوه محبت و کمک می نماید. ادم مهربان نسبت به بیماران و معلولان و افراد ضعیف با عطف برخورد می کند. ادم مهربان در مقابل دیگران تکبر نمی کند. ادم مهربان به نسبت به زیردستانش و کارگزارانش با مدارا و رافت برخورد می نماید! ادم مهربان به اگر فرمانده است نسبت به سربازان و اگر حاکم است نسبت به مسئولین زیر دست خود و خدمتکاران کمال محبت را دارد! ادم مهربان نسبت به حیوانات هم مهربانی می کند. ادم مهربان نسبت به بدهکاران مالی خود کمال همکاری می نماید. ادم مهربان عذرخواهی را قبول می کند و کینه ای نیست! ادم مهربان وقتی ناراحتی برادر مومنش را می بیند او هم ناراحت میشود و حتی گاهی از ناراحتی دیگران خوابش نمی برد! ادم مهربان قبل از اینکه سائل درخواست کمک کند به او کمک می نماید انهم با عزت و با حفظ...

...آبرو! ادم مهربان نسبت به همه افراد مهربان است